



دانشگاه علامه طباطبایی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه  
کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل

عنوان:

## **توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت**

استاد راهنما: آقای دکتر حمیدرضا علوم‌ی زدی

استاد مشاور: آقای دکتر محمد شمسانی

دانشجو: محمود دیبایی

۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به مردان مرد

شهیدان سرافراز دفاع از ایران

و تقدیم به مادران قهرمان آنها

به پاس همه ایثار و صبوری شان.

## سپاسگزاری

بر خود فرض می‌دانم که در ابتدا خالصانه‌ترین سپاس بی‌منت‌های خود را به درگاه حضرت احدیت که تجربه ناب زیستن را به این بنده کوچک خویش ارزانی داشت و او را به گام زدن در مسیر کسب دانش مفتخر گرداند، تقدیم دارم.

پس از آن لازم است از همه سرورانی که در کسوت اساتید در مقطع کارشناسی ارشد شمع راه و راهنمای من در طی این طریق بودند سپاسگزاری نمایم.

اساتید محترم راهنما، مشاور و داور این تحقیق، اینجانب را به طور خاص وام‌دار خویش ساخته‌اند. لذا، لازم است از جناب آقای دکتر علمی یزدی استاد محترم راهنما و جناب آقای دکتر شمسایی استاد محترم مشاور این تحقیق به دلیل تمام عنایات و رهنمودهایشان تشکر نمایم. جناب آقای دکتر مهدی زاهدی در مقام استاد داور نکات عالمانه‌ای را متذکر شدند که از ایشان نیز کمال تشکر را دارم. از جناب آقای دکتر فیصل عامری نیز که طرح این تحقیق با راهنمایی ایشان تدوین شد تشکر می‌نمایم.

و حرف آخر این که از خانواده محترم و عزیزم که در کلیه مراحل انجام این تحقیق با همکاری، شکیبایی، دلسوزی و مهربانی خود مرا یاری دادند بی‌اندازه سپاسگزارم.

## چکیده

موضوع این پایان‌نامه بررسی رابطه توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان جهانی تجارت است. موافقتنامه گات در ماده ۲۴ و موافقتنامه گاتس در ماده ۵ خود به صراحت تشکیل اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد را مشروط به دارا بودن پاره‌ای از شرایط مجاز دانسته‌اند. از آنجا که جوهره تشکیل چنین توافقنامه‌هایی قائل شدن پاره‌ای تبعیضات به نفع کشورهای مشارکت‌کننده در آنها است، این توافقنامه‌ها در تعارض آشکار با اصل عدم تبعیض و شرط دولت کامله‌الوداد مندرج در ماده ۱ معاهدات گات و کاتس هستند. از همین رو، این موضوع در طول سال‌های فعالیت گات و سپس سازمان جهانی تجارت همواره محل بحث و اختلاف نظر صاحب‌نظران بوده است.

در طول سال‌های آغازین قرن بیست و یکم تعداد توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای به ناگاه جهش خیره‌کننده‌ای یافته است و پدیده تجارت منطقه‌ای ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. هم اکنون تقریباً تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت در توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای عضویت دارند و هر یک به طور متوسط در بیش از ده توافقنامه ترجیحی شرکت کرده‌اند. چنین وضعیتی باعث شده است که رفتار ترجیحی در تجارت بین‌المللی به طرز فزاینده‌ای به صورت یک هنجار در آید و نظام تجارت چندجانبه را بیش از پیش با چالش مواجه سازد.

در این پایان‌نامه ضمن بررسی علل گرایش کشورها به سمت تجارت ترجیحی، ابعاد و ویژگی‌های پدیده گسترش توافقنامه‌های تجاری ترجیحی را به لحاظ کمی و کیفی بررسی کرده و عرصه‌های تعارض نظام تجارت چندجانبه با این توافقنامه‌ها را تبیین کرده‌ایم. سپس در بخش پایانی پایان‌نامه ضمن بیان تاریخچه‌ای مختصر از تعامل توافقنامه‌های منطقه‌ای با گات و سازمان جهانی تجارت، به بررسی موشکافانه مجموعه مقررات و ابزارهای کنونی این سازمان در نظارت و کنترل توافقنامه‌های منطقه‌ای پرداخته و نقاط ضعف و ابهام این مقررات را شناسایی کرده‌ایم. سپس ضمن بیان پاره‌ای از پیشنهادات و شیوه‌های ممکن برای اصلاح وضعیت فعلی، چشم‌انداز پیش روی نظام تجارت چندجانبه در مواجهه با این چالش را بررسی کرده‌ایم.

**کلمات کلیدی:** توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای، تجارت ترجیحی، سازمان جهانی تجارت

## فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه	۱
الف- بیان مساله: گرایش به منطقه گرایی در درون نظام تجارت چندجانبه	۱
ب- سوال تحقیق	۴
پ- فرضیه تحقیق	۴
ت- بررسی سوابق مربوطه	۴
ث- تعریف مفاهیم	۵
ج- اهداف تحقیق	۱۱
چ- روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها	۱۲
ح- سازماندهی تحقیق	۱۲
<b>بخش اول</b>	۱۴
منطقه گرایی در عصر جهانی شدن: جهانی از منطقه‌ها	۱۴
پیش‌گفتار	۱۵
گفتار اول- تاریخچه منطقه گرایی	۱۵
بند اول- منطقه گرایی در فاصله بین دو جنگ جهانی	۱۸
بند دوم- منطقه گرایی پس از جنگ جهانی دوم: منطقه گرایی در کنار چندجانبه گرایی	۲۰
الف) موج اول منطقه گرایی: سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰	۲۳
ب) دور دوم منطقه گرایی: از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰	۲۴
پ) موج سوم منطقه گرایی: سالهای آغازین قرن بیست و یکم	۲۷

۲۹	گفتار دوم - تبیین نظری منطقه‌گرایی
۲۹	بند اول - سطوح و نتایج اقتصادی منطقه‌گرایی
۲۹	الف - سطوح منطقه‌گرایی
۳۱	ب - منطقه‌گرایی از منظر تاثیرات اقتصادی
۳۶	بند دوم - عوامل وقوع منطقه‌گرایی
۳۷	الف - نظریات اقتصادی
۳۸	یک (نظریه‌های مبتنی بر آمار)
۴۱	دو (نظریات جدید منطقه‌گرایی)
۴۳	سه (پراکندگی در زنجیره بین‌المللی تولید)
۴۴	چهار (نظریه شرکای طبیعی)
۴۵	پنج (مدل جاذبه)
۴۶	ب - نظریات غیراقتصادی:
۵۱	بند سوم - استدلال‌ات موافقان و مخالفان تجارت ترجیحی
۵۳	الف - مخالفان تجارت ترجیحی:
۵۶	ب - موافقان رویکرد ترجیحی به تجارت
۶۰	جمع بندی بخش اول
۶۲	<b>بخش دوم</b>
۶۲	ابعاد و نتایج پدیده گسترش توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای
۶۳	پیشگفتار
۶۴	گفتار اول - پدیده ازدیاد توافقنامه‌های تجارت منطقه‌ای

- بند اول- تجارت جهانی تا چه حد ترجیحی است؟ ..... ۶۵
- بند دوم- گونه‌شناسی توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای..... ۶۸
- بند سوم- شناسایی روندها در شکل‌گیری توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای ..... ۷۲
- گفتار دوم- بررسی محتوایی توافقنامه‌های تجارت ترجیحی ..... ۷۵
- بند اول- محتوای توافقات ترجیحی جدید چیست؟ ..... ۷۵
- الف- مقررات مرتبط با همگرایی عمیق ..... ۷۶
- ب- مقررات مرتبط با حوزه سرمایه‌گذاری ..... ۷۸
- پ- مقررات مرتبط با حوزه خدمات ..... ۷۹
- ت- مقررات مرتبط با حوزه رقابت ..... ۸۰
- بند دوم- محتوای توافقنامه‌های تجارت ترجیحی چگونه تعیین می‌شود؟ ..... ۸۰
- بند سوم- زمینه‌های تعارض توافقنامه‌های ترجیحی با نظام تجارت چندجانبه..... ۸۴
- الف- توافقنامه‌های ترجیحی و اصل عدم تبعیض در نظام تجارت چندجانبه..... ۸۵
- ب- مخاطرات همگرایی عمیق برای نظام تجارت چندجانبه ..... ۸۵
- پ- مشکلات ناشی از قواعد مبداء ..... ۸۶
- ت- تراحم صلاحیت سازکارهای حل اختلاف..... ۸۹
- جمع بندی بخش دوم ..... ۹۱
- بخش سوم** ..... ۹۴
- بررسی مقررات سازمان جهانی تجارت در خصوص توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای ..... ۹۴
- پیشگفتار ..... ۹۵
- گفتار اول- تاریخچه تعامل تجارت منطقه‌ای با نظام تجارت چندجانبه ..... ۹۶



- بند اول- ماهیت و نحوه تشکیل توافقنامه های گات و سازمان جهانی تجارت..... ۹۶
- بند دوم- موضوع تجارت ترجیحی در سالهای اولیه گات..... ۹۸
- بند سوم - نحوه نظارت بر توافقنامه های ترجیحی در دوران گات..... ۱۰۱
- الف) سالهای اولیه..... ۱۰۱
- بند چهارم- نظارت بر توافقنامه های ترجیحی در دوره سازمان جهانی تجارت..... ۱۰۴
- الف- تشکیل کمیته توافقنامه های تجاری منطقه ای..... ۱۰۴
- ب- تشکیل سازکار شفافیت..... ۱۰۵
- گفتار دوم- مقررات WTO در مورد اتحادیه های گمرکی و توافقنامه های تجارت آزاد..... ۱۰۶
- گفتار سوم- نقد و ارزیابی مقررات WTO در خصوص توافقنامه های ترجیحی..... ۱۱۰
- بند اول- شرایط مرتبط با شفافیت..... ۱۱۱
- الف- اطلاع رسانی..... ۱۱۱
- بند دوم- الزامات داخلی توافقنامه ها..... ۱۱۴
- الف- الزام به تشکیل توافقنامه های کامل..... ۱۱۵
- ب- عضویت در توافقنامه های تجاری منطقه ای..... ۱۱۸
- پ- درجه آزادسازی تجاری: موضوع "اساسا کل تجارت"..... ۱۱۸
- ت- متقابل بودن آزادسازی تجاری..... ۱۲۲
- ث- الزام خاص برای اتحادیه های گمرکی..... ۱۲۳
- بند سوم- الزامات بیرونی توافقنامه های ترجیحی..... ۱۲۵
- الف- اصل کلی..... ۱۲۵
- ب- تاثیرات توافقنامه های تجاری منطقه ای بر تجارت خارجی..... ۱۲۶

- پ- شرط خاص برای اتحادیه‌های گمرگی: تعدیل جبرانی..... ۱۲۷
- گفتار سوم- راه‌های تقویت نظارت بر توافقاتی‌های تجاری منطقه‌ای ..... ۱۲۸
- بند اول- توافقات چندجانبه..... ۱۳۰
- الف- توافقاتی شفافیت ..... ۱۳۳
- ب. پیشنهادهای محتوایی و سیستمی ..... ۱۳۶
- پ. موضوع "مستثنی شدن": ..... ۱۳۸
- بند دوم- استفاده از ظرفیتهای نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت ..... ۱۳۹
- جمع بندی بخش سوم..... ۱۴۲
- نتیجه گیری**..... ۱۴۵
- فهرست منابع..... ۱۵۰

## الف - بیان مسأله: گرایش به منطقه‌گرایی در درون نظام تجارت چندجانبه

ظرف دو دهه اخیر، جهان شاهد رشد تصاعدی و انفجارگونه تعداد "توافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای" یا به عبارت دقیق‌تر "توافقتنامه‌های تجاری ترجیحی" بوده است؛ به گونه‌ای که تعداد این گونه توافقنامه‌ها از حدود ۷۰ توافقنامه در سال ۱۹۹۰ به ۴۸۹ توافقنامه در ۱۵ می ۲۰۱۱ رسیده است<sup>۱</sup> که از این تعداد حدود ۳۰۰ توافقنامه فعال هستند.<sup>۲</sup>

اکنون توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای یک ویژگی برجسته نظام تجارت جهانی هستند و برای تقریباً تمام اعضای سازمان جهانی تجارت به یک ابزار مهم در سیاست تجاری تبدیل شده‌اند.

بر اساس گزارش تجارت جهانی سال ۲۰۱۱<sup>۳</sup>، هم‌اکنون نزدیک به نیمی از تجارت جهانی کالا، میان طرفهای دارای توافقنامه‌های ترجیحی صورت می‌گیرد. به علاوه، تقریباً تمام کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، در توافقنامه‌های ترجیحی مشارکت دارند.<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۰ هر کشور عضو سازمان جهانی تجارت به طور متوسط در سیزده توافقنامه تجارت ترجیحی عضویت داشته است<sup>۵</sup> و برخی از اعضا در بیش از بیست و پنج توافقنامه تجاری از این نوع عضویت دارند. همه اینها باعث شده است تا بسیاری از صاحب‌نظران از موج جدیدی از «منطقه‌گرایی تجاری» در جهان صحبت کنند.

اما در عصر جهانی شدن و با وجود مشارکت اکثریت قاطع کشورهای جهان در نظام تجارت چندجانبه و سازمان جهانی تجارت، سخن گفتن از منطقه‌گرایی در تجارت شاید در وهله اول عجیب به نظر برسد. سوالی که در

---

<sup>۱</sup> Regional Trade Agreements, [http://www.wto.org/english/tratop\\_e/region\\_e/region\\_e.htm](http://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/region_e.htm) (Accessed on 17 July 2011).

<sup>۲</sup> **World Trade Report 2011**, The WTO and preferential trade agreements: From co-existence to coherence, (Geneva: World Trade Organization, 2011), p. 3, available at: [http://www.wto.org/english/res\\_e/publications\\_e/wtr11\\_e.htm](http://www.wto.org/english/res_e/publications_e/wtr11_e.htm), accessed on 18 August 2011.

<sup>۳</sup> Ibid, p. 72.

<sup>۴</sup> در حال حاضر، مغولستان تنها کشوری است که در هیچ توافقنامه ترجیحی عضو نیست.

<sup>۵</sup> Ibid, p. 56.

این باره به ذهن می‌رسد این است که آیا می‌توان در عین مشارکت در نظام تجارت جهانی و سازمان جهانی تجارت، به دنبال منطقه‌گرایی تجاری بود؟ و آیا این دو روند در تعارض با یکدیگر نیستند؟

در واقع، تشکیل توافقنامه‌های ترجیحی به روشنی با یکی از اصول اساسی و بنیادین نظام تجارت جهانی، یعنی "اصل عدم تبعیض" که عمدتاً در "شرط دولت کامله‌الوداد"<sup>۶</sup> تجلی پیدا کرده است، در تعارض است. در صورت اجرای دقیق و سخت‌گیرانه شرط دولت کامله‌الوداد، اعضاء قادر به تشکیل بلوک‌های تجاری منطقه‌ای نخواهند بود؛ زیرا چنین بلوک‌هایی تبعیضاتی را علیه کشورهای غیر عضو - اعم از این که عضو سازمان جهانی تجارت باشند یا خیر - ایجاد می‌کند. در حالی که مبنای نظام تجارت چندجانبه بر اصل عدم تبعیض قرار گرفته است؛ یکی از ویژگی‌های ذاتی توافقنامه‌های ترجیحی، قائل شدن به تبعیض در میان کشورها بر اساس عضویت و عدم عضویت در این توافقنامه‌ها است.

هدف غایی معاهده گات و سازمان جهانی تجارت ایجاد یک بازار واحد جهانی بوده است که در آن تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بتوانند تا حد امکان به انتخاب‌های نامحدود دسترسی داشته باشند و صرفاً عوامل اقتصادی در تعیین قیمت‌ها تأثیرگذار باشد. اما منطقه‌گرایی لاجرم به چندپاره شدن و تقسیم بازار جهانی منجر خواهد شد. بدین لحاظ، وجود تعارض بین چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی در تجارت روشن است.

سازمان جهانی تجارت از بدو تاسیس خود، با عنایت به مشکلاتی که از اجرای سخت‌گیرانه شرط دولت کامله‌الوداد حاصل می‌شد، انحراف از آن را تحت شرایط خاصی مجاز شناخته است. مهم‌ترین استثناء بر این اصل، در ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴ ذکر شده است.<sup>۷</sup> طبق این ماده، اعضای سازمان جهانی تجارت می‌توانند به منظور از میان برداشتن یا کاهش اساسی موانع واردات از یکدیگر، "اتحادیه گمرکی" یا "توافقنامه تجارت آزاد" تشکیل دهند؛ مشروط بر اینکه این توافقات، موانع بر سر تجارت دیگر اعضاء با این قلمروهای گمرکی را افزایش ندهد. در این ماده چند شرط دیگر نیز برای تشکیل اتحادیه‌های گمرکی، توافقنامه‌های تجارت آزاد و توافقنامه‌های موقتی که به

---

<sup>۶</sup> Most-Favored Nation (MFN) clause

<sup>۷</sup> اصل دولت کامله‌الوداد، استثنائات دیگری نیز دارد که از جمله آنها «شرط توانمندسازی» است. این شرط به کشورهای توسعه‌یافته اجازه می‌دهد تا ترجیحاتی را به کشورهای در حال توسعه ارائه کنند، بدون آنکه لازم باشد آنها را به سایر اعضای عضو سازمان جهانی تجارت نیز تسری دهند.

تشکیل آنها منجر می‌شوند ذکر شده است. گنجاندن این شروط در متن ماده ۲۴ از آن جهت صورت گرفته است تا اگر یک توافقنامه تجاری منطقه‌ای، عملکرد نظام تجارت چندجانبه را مختل کرد و یا با مانع مواجه نمود، با مقررات گات ۱۹۹۴ غیرمنطبق اعلام شود.<sup>۸</sup> مقرراتی مشابه ماده ۲۴ گات، در ماده ۵ گاتس<sup>۹</sup> (توافقنامه عمومی تجارت خدمات) نیز به چشم می‌خورد که وضعیت مشابهی را در خصوص تجارت منطقه‌ای خدمات در میان اعضای سازمان جهانی تجارت ایجاد کرده است.

اما آیا توافقنامه‌های ترجیحی کنونی با شرایط مندرج در مقررات مرتبط گات مطابقت دارند؟ آیا گات و سازمان جهانی تجارت توانسته‌اند بر این توافقنامه‌ها کنترل و نظارت مناسبی اعمال کرده، تضمین نمایند که این توافقنامه‌ها در چارچوب تعیین شده و فقط در جهت تسهیل تجارت میان اعضا، و نه در جهت انحراف تجارت و ایجاد مانع بر سر تجارت کشورهای ثالث با اعضا آنها عمل می‌کنند؟

برای یافتن پاسخ این سوال نیازی به بررسی‌های فنی و اقتصادی پیچیده نیست. کافی است بدانیم که تا کنون تنها در خصوص پنج توافقنامه ترجیحی، تطابق قطعی یا کلی آنها با مقررات سازمان جهانی تجارت احراز شده است. اما در خصوص چند صد توافقنامه دیگر که به گات یا سازمان جهانی تجارت اطلاع‌رسانی شده‌اند، از نظر تطابق یا عدم تطابق با مقررات سازمان، تصمیم روشن و مورد اجماع حاصل نشده است. نتیجه غیرقابل اجتنابی که از این وضعیت می‌توان گرفت این است که سازکارهای نظارت و کنترل تعبیه‌شده در مقررات سازمان جهانی تجارت تا کنون نتوانسته‌اند کارکرد خود را به خوبی انجام دهند و تضمین کنند که توافقنامه‌های ترجیحی با نظام تجارت چندجانبه هماهنگ و منطبق هستند.<sup>۱۰</sup>

سازمان جهانی تجارت تا کنون نتوانسته است نظارت موثری روی توافقنامه‌های ترجیحی اعمال کند. در واقع، اکنون این سازمان به جای نظارت، سیاست شکیبایی و تحمل را در قبال این توافقات در پیش گرفته است. به

---

<sup>۸</sup> Edwini Kwame Kessie. "The World Trade Organization and Regional Trade Agreements, An Analysis of the Relevant Rules of the WTO", Unpublished PhD dissertation, University of Sydney, 2001, p. 2.

<sup>۹</sup> General Agreement on Trade in Services

<sup>۱۰</sup> Petros C. Mavroidis. "Always Look at the Bright Side of Non-Delivery: WTO and Preferential Trade Agreements, Yesterday and Today", **World Trade Review**, 2011, Vol. 10, issue 3, p. 376.

همین علت تأثیرات این توافقنامه‌ها بر سازمان جهانی تجارت، به چالش مهمی برای آینده و کارآمدی این سازمان تبدیل شده است.

در این پایان‌نامه به دنبال واکاوی و تبیین چرایی پیدایش وضعیت فعلی هستیم. بدین منظور، در بخش نخست خواهیم کوشید تا منطقه‌گرایی را تبیین کرده، علل روی آوردن کشورها به منطقه‌گرایی و تجارت ترجیحی را بررسی نماییم. سپس در بخش دوم به اجمال، ویژگی‌های توافقنامه‌های ترجیحی را معرفی و نقش آنها در عرصه تجارت بین‌الملل را تشریح می‌کنیم و جایگاه و سهم آنها را در تجارت جهانی نشان می‌دهیم. سپس در بخش سوم و اصلی تحقیق به بررسی رابطه حقوقی میان توافقنامه‌های ترجیحی و نظام تجارت چندجانبه بر اساس قواعد موجود در سازمان جهانی تجارت خواهیم پرداخت تا خلاءها و نکات ابهام مشخص شوند. همچنین راه‌حل‌های ممکن برای حل وضعیت کنونی مورد بررسی و موشکافی قرار خواهد گرفت.

### ب- سوال تحقیق

همان‌گونه که عنوان شد، در این پایان‌نامه به دنبال بررسی رویکرد سازمان جهانی تجارت به توافقنامه‌های منطقه‌ای هستیم و نگاهی انتقادی به مجموعه قوانین موجود در نظام تجارت چندجانبه برای کنترل و نظارت بر توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای خواهیم داشت. لذا با عنایت به ناکارآمدی واضح مقررات موجود سازمان جهانی تجارت جهت کنترل و نظارت بر توافقنامه‌های ترجیحی، سوال اصلی این تحقیق این است که «نقاط ضعف عمده در مجموعه مقررات سازمان جهانی تجارت ناظر بر تشکیل و عملکرد توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای چیست؟».

### پ- فرضیه تحقیق

در پاسخ به سوال مطرح شده، فرضیه تحقیق این است که «قواعد موجود در مجموعه مقررات سازمان جهانی تجارت در خصوص توافقنامه‌های منطقه‌ای به دلیل مبهم، تفسیرپذیر و غیرقابل اجرا بودن، اساساً توانایی نظارت موثر بر عملکرد توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای را ندارد».

### ت- بررسی سوابق مربوطه

تحقیقات موجود به زبان فارسی در خصوص توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای، به ویژه در ارتباط با سازمان جهانی تجارت محدود و انگشت شمار است. بررسی ادبیات علمی موجود در کشور، وجود چند مقاله مرتبط را

نشان می‌دهد. یکی از این مقالات<sup>۱۱</sup> به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا حق کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی برای عضویت در توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای ناشی از مفاد ماده ۲۴ توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت و سایر مواد مشابه در اسناد سازمان است و یا این حق ناشی از یک قاعده عرفی است؟ نویسندگان در پایان نتیجه می‌گیرند که «رویه دولت‌ها در رابطه با توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای [...] اماره‌ای بر شکل‌گیری یک قاعده عرفی بین‌المللی است» و «ماده ۲۴ همواره غیرقابل اجرا بوده است». مقاله دیگر موجود در این زمینه<sup>۱۲</sup> شرح مختصری از مفهوم منطقه‌گرایی، آثار مثبت و منفی آن و در نهایت جایگاه همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب قوانین سازمان جهانی تجارت است که به عنوان یک مقدمه بر موضوع، مفید است؛ اما فاقد چارچوب‌های نظری لازم برای تبیین و نتیجه‌گیری علمی از موضوع است. در واقع این مقاله صرفاً برای فهم سوال این پژوهش مفید است و پاسخی برای آن ارائه نمی‌دهد. و بالاخره سومین مقاله<sup>۱۳</sup> به مساله رونق گرفتن منطقه‌گرایی و چگونگی همزیستی آن با نظام اقتصادی چندجانبه از منظر اقتصاد سیاسی - و نه حقوق حاکم بر تجارت بین‌الملل - می‌پردازد.

بدین ترتیب، خلاء یک پژوهش کیفی و عمیق به منظور درک پیچیدگی‌های حقوقی منطقه‌گرایی در چارچوب ترتیبات ترجیحی تجاری و آشتی دادن آن با مقررات سازمان جهانی تجارت در ادبیات حقوقی کشور کاملاً احساس می‌شود.

### ث- تعریف مفاهیم

برخی از مفاهیم مرتبط با حوزه اقتصاد بین‌الملل به کرات در این پایان‌نامه مورد استفاده قرار گرفته است. آشنایی با معانی این مفاهیم به درک مباحث طرح شده در این تحقیق کمک شایانی خواهد کرد. در ذیل به بیان تعریف برخی از مفاهیم می‌پردازیم تا نیازی به ذکر مکرر معانی مورد نظر از آنها در متن پایان‌نامه نباشد.

### • نظام تجارت چندجانبه<sup>۱۴</sup>

---

<sup>۱۱</sup> آلبرتا فابریکوتی. "رابطه متقابل سازمان جهانی تجارت و توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای: آیا این موضوع را می‌توان در قالب رابطه میان منابع حقوق بین‌الملل مطرح کرد؟"، ترجمه فرزاد مهرانی، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، ۱۳۸۸.

<sup>۱۲</sup> مسعود کمالی اردکانی. "نگرش سازمان جهانی تجارت به ترتیبات تجاری منطقه‌ای"، **بررسی‌های بازرگانی**، شماره ۱۶، بهمن و اسفند ۸۴.

<sup>۱۳</sup> عبدالله قنبرلو. "سازمان جهانی تجارت و مساله منطقه‌گرایی در اپک"، **مطالعات راهبردی**، شماره ۴۳، ۱۳۸۸.

<sup>۱۴</sup> Multilateral trading system

منظور، ترتیبات مبتنی بر اصل عدم تبعیض در تجارت بین‌المللی است که با انعقاد «توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات) ۱۹۴۷ ایجاد شد که در سال ۱۹۹۵ جای خود را به سازمان جهانی تجارت داد و در حال حاضر این سازمان نماینده آن است.

### • شرط دولت کامله‌الوداد<sup>۱۵</sup>

شرط دولت کامله‌الوداد از اصول اساسی و زیربنایی سازمان جهانی تجارت است «که از کشورها می‌خواهد بین کالاها بر اساس مبدأ یا مقصدشان تبعیض قائل نشوند»<sup>۱۶</sup>. شرط دولت کامله‌الوداد در مورد کلیه "اقدامات مرزی" از قبیل عوارض تعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی و نیز بر مالیات‌های و مقررات داخلی (از قبیل استانداردهای محصولات و تاییده‌های ارائه‌کنندگان خدمات) اعمال می‌شود. به زبان ساده، یک عضو سازمان جهانی تجارت نمی‌تواند از طریق قواعد داخلی خود رفتار بهتری با کالاها یا خدمات یک عضو این سازمان در مقایسه با عضو دیگر آن بکند<sup>۱۷</sup>. ماده ۱ گات ۱۹۴۷ و گات ۱۹۹۴ شرط دولت کامله‌الوداد عدم تبعیض را به تفصیل بیان می‌کند. این شرط اعضای سازمان جهانی تجارت را ملزم می‌سازد تا بدون قید و شرط، هرگونه مزیت، ترجیح یا مصونیتی در خصوص عوارض گمرکی، هزینه‌ها، قوانین و رویه‌ها در خصوص یک کشور خاص را به بقیه کشورها هم اعطا کنند.

به طور کلی، روش سازمان جهانی تجارت برای حصول به اهداف ذکر شده در مقدمه سند گات (یعنی ارتقاء استانداردهای زندگی و رفاه عمومی)، از بین بردن تبعیض در تجارت بین‌المللی و کاهش موانع بر سر تجارت است. تدوین‌کنندگان گات بر این عقیده بوده‌اند که تبعیض در میان کشورها در تجارت بین‌الملل می‌تواند به اختصاص نابجای منابع محدود موجود منجر شود و تنش‌های غیرضروری در میان کشورها ایجاد کند. آنها بر این اعتقاد راسخ بوده‌اند که عدم تبعیض در تجارت بین‌المللی می‌تواند باعث برانگیختن رقابت میان ملت‌ها شده،

<sup>۱۵</sup> Most-Favored Nation Principle

<sup>۱۶</sup> اسفندیار امیدبخش، وحید بزرگی، ابوالقاسم بینات و دیگران. "نگرش سازمان جهانی تجارت به ترتیبات تجاری منطقه‌ای"، در *سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و توافقنامه‌ها*، (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۵)، ص ۶۹۷.

<sup>۱۷</sup> James Mathis and Jennifer Breaton, "Regional Trade Agreements and the WTO: Implications for Eastern and Southern Africa", in Trudi Hartzenberg, Paul Kalenga, Jim Mathis et al. **Cape to Cairo, Making the Tripartite Free Trade Area Work**, Trade Law Centre for Southern Africa, 2011. available at: <http://ssrn.com/abstract:1988129>, accessed on 21 July 2011.



بهره‌وری را در تولید جهانی افزایش دهد. این امر به نوبه خود کیفیت را بالا برده و قیمت‌ها را برای مصرف کنندگان قابل پذیرش می‌کند؛ یعنی رفاه جهانی را افزایش می‌دهد.<sup>۱۸</sup>

دولت کامله‌الوداد برای سازمان جهانی تجارت یک اصل زیربنایی و در بسیاری از موافقات تجاری بین کشورها، یک شرط<sup>۱۹</sup> است که به موجب آن هر دو کشور امضاء کننده یک قرارداد به یکدیگر بهترین تعرفه‌ها و سهمیه‌های موجود را اعطاء می‌کنند.<sup>۲۰</sup>

### • توافقنامه تجاری منطقه‌ای

توافقنامه تجاری منطقه‌ای<sup>۲۱</sup> یک توافقنامه از نوع "منطقه تجارت آزاد" یا "اتحادیه گمرکی" متشکل از دو یا چند کشور است، مثل نفتا<sup>۲۲</sup> یا جامعه اروپایی.

### • توافقنامه‌های تجاری ترجیحی<sup>۲۳</sup>

دو اصطلاح «توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای» و «توافقنامه‌های تجاری ترجیحی» در ادبیات رایج، اغلب به یک معنا هستند و به جای یکدیگر به کار می‌روند. گسترش فعالیت‌های تجاری ترجیحی تحت عنوان ظهور منطقه‌گرایی توصیف می‌شود. با این حال، نیمی از توافقنامه‌های ترجیحی که هم اکنون لازم‌الاجرا هستند، به معنای دقیق کلمه «منطقه‌ای» نیستند، یعنی شامل کشورهای دیگری از حوزة‌های جغرافیایی نیز می‌شوند.<sup>۲۴</sup> به علاوه، اغلب توافقنامه‌های تجارت ترجیحی منعقد شده ظرف یک دهه اخیر بینا-منطقه‌ای هستند.<sup>۲۵</sup>

### • اساساً کل تجارت<sup>۲۶</sup>

---

<sup>۱۸</sup> Edwini Kwame Kessie; Op. cit., p. 1.

<sup>۱۹</sup> clause

<sup>۲۰</sup> Mike Hammett, **Dictionary of International Trade Finance**, (Kent: Financial World Publishing, 2001), p. 195.

<sup>۲۱</sup> Regional Trade Agreement

<sup>۲۲</sup> North American Free Trade Area

<sup>۲۳</sup> Preferential trade agreements

<sup>۲۴</sup> World Trade Report ۲۰۱۱, Op. cit., p. 58.

<sup>۲۵</sup> World Trade Report 2011, Op. cit., P. 6.

<sup>۲۶</sup> Substantially-all-trade

ماده ۲۴ موافقتنامه گات شرایطی را وضع می‌کند که در صورت وجود آن شرایط، اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد را می‌توان با این توافقنامه هماهنگ دانست. یکی از شروط مندرج در این ماده آن است که اساساً کل تجارت بین طرفهای یک توافقنامه ترجیحی، باید تحت پوشش قرار گیرند. البته گات روشن نمی‌کند که این امر چگونه اندازه‌گیری می‌شود. ماده ۵ معاهده توافقنامه عمومی تجارت خدمات، که تجارت آزاد در خدمات را پوشش می‌دهد، نیز همین معیار را در خود دارد.

### • منطقه تجارت آزاد<sup>۲۷</sup>

منطقه تجارت آزاد گروهی متشکل از دو یا چند کشور، اقتصاد مستقل یا قلمرو گمرکی است که تعرفه‌ها و تمام یا بخش عمده‌ای از موانع غیرتعرفه‌ای تأثیرگذار بر تجارت میان خود را از میان برداشته‌اند. کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد اغلب به اعمال تعرفه‌های موجود توسط خودشان بر کالاهای خارجی ادامه می‌دهند، یعنی اقدام به تعیین تعرفه مشترک نمی‌کنند. مناطق تجارت آزاد وقتی متقابل<sup>۲۸</sup> هستند که تمامی شرکای آن تعرفه‌ها و دیگر موانع در قبال یکدیگر را حذف کرده باشند. با این حال، مواردی وجود دارد که در آنها کشورهای درحال توسعه، در عین دسترسی آزادانه به بازارهای کشورهای توسعه‌یافته، از اعمال کاهش‌های تعرفه‌ای برابر معاف شده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به توافقنامه<sup>۲۹</sup> ACP-EC اشاره کرد<sup>۳۰</sup>. این گونه مناطق تجارت آزاد، غیرمتقابل<sup>۳۱</sup> خوانده می‌شوند.

### • اتحادیه گمرکی<sup>۳۲</sup>

یک اتحادیه گمرکی منطقه‌ای متشکل از دو یا چند کشور، یا قلمرو گمرکی مستقل است که اولاً، کلیه تعرفه‌ها و بعضاً موانع تجاری دیگر را بین خود حذف می‌کنند؛ و ثانیاً، اعضای تشکیل دهنده این منطقه یک تعرفه خارجی مشترک و واحد را اعمال می‌کنند.

---

<sup>۲۷</sup> Free Trade Area

<sup>۲۸</sup> reciprocal

<sup>۲۹</sup> توافقنامه همکاری بین اعضای گروه دولت‌های افریقا، کارائیب و اقیانوس آرام از یک طرف و جامعه اروپایی از طرف دیگر.

<sup>۳۰</sup> The ACP-EU Partnership Agreement, available at:

[http://eeas.europa.eu/delegations/sierra\\_leone/eu\\_sierra\\_leone/political\\_relations/partnership\\_framework/acp\\_eu\\_agreement/index\\_en.htm](http://eeas.europa.eu/delegations/sierra_leone/eu_sierra_leone/political_relations/partnership_framework/acp_eu_agreement/index_en.htm)  
(Accessed on 20 July 2011).

<sup>۳۱</sup> Non-reciprocal

<sup>۳۲</sup> Customs Union

## • ایجاد تجارت<sup>۳۳</sup>

این اصطلاح به علاوه اصطلاح «انحراف تجارت» در دهه ۱۹۵۰ توسط جیکاب واینر<sup>۳۴</sup> وارد ادبیات اقتصاد بین‌المللی شد. / ایجاد تجارت معیاری است که برای ارزیابی اثرات توافقنامه‌های تجارت آزاد و اتحادیه‌های گمرگی بر کشورها و تجارت بین‌المللی به کار می‌رود. منظور از این اصطلاح این است که کاهش یا حذف تعرفه‌ها بر سر راه تجارت از طریق انعقاد توافقنامه‌های ترجیحی، منجر به افزایش تجارت بین اعضا این توافقنامه‌ها و نیز کشورهای غیر عضو خواهد شد؛ یعنی میزان نهایی تجارت نسبت به حالت قبل از انعقاد این توافقنامه‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. البته تحقق این وضعیت منوط به این است که موانع خارجی به صورت همزمان افزایش نیابد.

## • انحراف تجارت<sup>۳۵</sup>

این اصطلاح در برابر اصطلاح «ایجاد تجارت» قرار می‌گیرد و یکی دیگر از معیارهای ارزیابی اثرات توافقنامه‌های تجارت آزاد و اتحادیه‌های گمرگی است. گرچه تشکیل این گونه توافقنامه‌ها معمولاً به گسترش تجارت بین اعضایشان منجر می‌شود، اما این اصطلاح عنوان می‌کند که بخشی از این افزایش تجارت، صرفاً به خاطر تغییر جهت تجارت کشورهای عضو در این معاهدات است و نه افزایش میزان واقعی تجارت آنها. در این شرایط، تولیدکنندگان کشورهای غیرعضو در یک توافقنامه که از کارایی بیشتری نسبت به تولیدکنندگان کشورهای عضو برخوردار هستند، صرفاً به دلیل روبه‌رو شدن با موانع تعرفه‌ای بالاتر برای صادرات به یک کشور عضو، دسترسی به بازار آن کشور را از دست می‌دهند. به همین ترتیب، مصرف‌کنندگان در آن کشور نیز از قیمتهای پایین‌تر عرضه کنندگان در بازار جهانی (کشورهای غیرعضو) محروم شده، قیمتهای بالای تولیدکنندگان درون بلوک به آنها تحمیل می‌شود<sup>۳۶</sup>. فاکتورهایی مثل کاهش جهانی تعرفه‌ها، تغییر در سیاست‌های سرمایه‌گذاری و غیره، ارزیابی این نظریه را بسیار دشوار می‌سازد<sup>۳۷</sup>.

---

<sup>۳۳</sup> Trade Creation

<sup>۳۴</sup> Jacob Viner

<sup>۳۵</sup> Trade diversion

<sup>۳۶</sup> معصومه زیرک. "تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن، منطقه‌گرایی و الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت"، مجله

اقتصادی، شماره‌های ۸۳ و ۸۴، مهر و آبان ۱۳۸۷، صص ۸۵-۵۷، ص ۶۷.

<sup>۳۷</sup> Walter Goode, **Dictionary of Trade Policy Terms**, Cambridge University Press, 2007, p. 207.

به اعتقاد واینر و مید، تأثیر کلی یک موافقتنامه ترجیحی بر جریان تجارت، و به تبع آن بر رفاه را می‌توان به سه نوع تفکیک کرد: ایجاد تجارت، انحراف تجارت و اثر مصرفی<sup>۳۸</sup>. از میان این آثار، انحراف تجارت منجر به کاهش رفاه می‌شود و دو اثر دیگر تأثیر مثبتی بر رفاه خواهند داشت<sup>۳۹</sup>.

انحراف تجارت، جدا از تعرفه‌ها، می‌تواند ناشی از دیگر ابزارهای تجاری مثل سیاست‌های زیست‌محیطی یا بهداشتی مشترک بین شرکای توافقنامه‌های ترجیحی یا اعمال مقررات ضد دامپینگ سخت‌گیرانه‌تر علیه کشورهای غیر عضو باشد<sup>۴۰</sup>.

### • اقدامات جبرانی تجاری<sup>۴۱</sup>

منظور از این اقدامات معمولاً اقدامات ضد قیمت‌شکنی<sup>۴۲</sup>، اقدامات حفاظتی<sup>۴۳</sup> و پادمانها<sup>۴۴</sup> هستند که هدف از آنها کنترل اثرات منفی ناشی از تجارت با کشورهای دیگر است. این گونه اقدامات می‌توانند شامل افزایش تعرفه‌ها، تعیین سهمیه واردات، تلافی<sup>۴۵</sup> و غیره باشد.

### • قواعد مبدأ<sup>۴۶</sup>

هرگونه قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها و غیره که توسط دولت‌ها اجرا می‌شود تا کشور مبدأ کالاها، خدمات یا سرمایه‌گذاری را مشخص کند، قواعد مبدأ خوانده می‌شود. تعیین مبدأ کالاها، خدمات یا سرمایه‌گذاری مهم است، زیرا می‌تواند بر چگونگی رفتار کشور پذیرنده اثر بگذارد.

### • حاشیه ترجیح<sup>۴۷</sup>

---

<sup>۳۸</sup> Consumption Effect

<sup>۳۹</sup> سید مهدی ناصری و میترا نصیری. "پتانسیل‌های ایجاد و انحراف تجارت در تجارت ترجیحی دوجانبه ایران"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۷۶.

<sup>۴۰</sup> Petros Mavroidis, Op. cit., p. 380.

<sup>۴۱</sup> Trade remedies

<sup>۴۲</sup> Anti-dumping measures

<sup>۴۳</sup> Countervailing measures

<sup>۴۴</sup> safeguards

<sup>۴۵</sup> retaliation

<sup>۴۶</sup> Rules of Origin

<sup>۴۷</sup> preference margin